

جایگاه جنون در قلمرو عرفان اسلامی

دکتر محمد شریف

استاد و مدیر گروه فارسی، دانشگاه سرگودها

سرگودها- پاکستان

چکیده:

جنون در عرفان، به معنای تجربه ای عارفانه، فعالیتی است که در آن عشق بر عقل غلبه می کند و عارف از تدبیر امور خود عاجز می ماند. جنون عرفان اسلامی با حقیقت ایمان نیز پیوند عمیقی دارد. در این مقاله واژه جنون و مفاهیم آن و هم اصطلاح جنون در عرفان اسلامی، همراه با جایگاه مجذوبان از جنبه عرفانی اسلامی مورد بحث قرار گرفته شده است.

واژه های کلیدی: ادبیات عرفان اسلامی، مغلوب، جنون الهی، عقلای

مجانین

مقدمه:

در زبان عربی واژه جنون از ریشه جن به معنای ستر و پوشش می آید و مقصود از آن، پوشیده شدن عقل است و از این روست که مجنون رامستور العقل نیز می خوانند. ابن عربی نیز مستور بودن عقل در حال جنون را از جنبه تدبیر و چاره گری عقل می داند و در تعریف مجانین، آنان را (المستورین عن تدبیر عقولهم) می شمارد (ابن عربی، ۱۳۹۵ق: ج ۴، ص ۸۹). موضوع جنون و دیوانگی از جمله موضوعاتی است که از زوایای گوناگون و دیدگاه های مختلف مانند: عرفانی، ادبی، فلسفی و کلامی قابل بررسی است. در تاریخ فرهنگ و اندیشه بشری از روزگاران کهن تا به امروز مورد توجه عارفان، نویسندگان، شاعران و اندیشمندان مختلف جهان بوده است.

در طول تاریخ تصوف و عرفان اسلامی جنون الهی ظهورات و اشکال مختلف مانند: عرفان نظری، ادبی و ذوقی و تصوف خانقاهی پدید آمده که هر کدام از آنها به جنبه ای از حقیقت عرفان و تصوف نظر داشته اند. این نوع خاص از طریقت الهی که خود را در قالب دیوانگی و جنون نشان داده است، یکی از زیبا ترین و دل انگیز ترین جلوه های عرفان اسلامی و ادبیات عرفانی ایرانی است. این عرفان آمیخته به دیوانگی دارای طیف گسترده و متنوعی است که غالباً در طبقه خاصی از عارفان و اولیاء الهی نمایان می شود. این طبقه خاص از اولیاء الهی همان دیوانگان الهی اند.

در ادبیات عرفانی، دیوانگان الهی به نامهای گوناگونی خوانده شده اند، عقلای مجانین، بهالیل، مجانین الحق، مجذوبان از جمله نامهای آنهاست. در آثار عطار آنها با نام هایی از قبیل: شوریده، شوریده دین، سرگشته، آشفته، بیدل، مجنون و دیوانه خوانده شده اند. عین القضاة همدانی این طایفه را مغلوبان، مجانین الحق و دیوانگان جمال معشوق نامیده است. وی محمد معشوق طوسی را از جمله مغلوبانی می داند که بدون داشتن پیر، با پیمودن راه نا مسلوک بیابان طریقت، به مقصد رسیده اند. (عین القضاة همدانی، ۷۴)

برخی عارفان برای تمایز جنون عرفانی از دیوانگی، به جای واژه مغلوب و مجنون، واژه مجذوب را به کار برده اند. خواجه عبید الله احرار (م ۸۹۵ ق / ۱۴۹۳ م)، با در نظر گرفتن غلبه به عنوان سبب دیوانگی، به دو نوع از آن اشاره می کند: نخست دیوانگی که به سبب غلبه نور ایجاد می شود و این حالت مجذوب است، و دوم دیوانگی که به سبب غلبه ظلمت ایجاد می شود و فرد را مجنون می کند. (احرار، خواجه عبید الله، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۹۶)

در عهد پیامبر ﷺ مومنان اهل صفة که با فقر شدید زندگی می کردند، نخستین کسانی بودند که ظاهری چون دیوانگان داشتند. از ابو هریره در مورد اهل صفة چنین نقل شده که (اینان از گرسنگی بیهوش افتادند، تا جایی که عربها پنداشتند که ایشان دیوانگان اند) (پور جوادی، نصر الله، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۰۶)

دردوره اسلامی نخستین کسی که در زمان حیات خود به دیوانگی مشهور شد، او یس قرنی (م ۳۷ ق) بود. هرم بن حیان در ملاقات با او یس چهره او را (کریه الوجه و مهیب المنظر توصیف می کند). (عطار، نیشابوری، ۱۳۶۶ ش، ص ۹۴)

جنون عرفانی با اصل و حقیقت ایمان نیز پیوند عمیقی دارد. ابو سعید ابو الخیر (م ۴۴۰ ق / ۱۰۴۸ م) با نقل حدیث (لا یکمل ایمان العبد حتی یظن الناس انه مجنون)، جنون را تجربه ای می داند که با کمال ایمان مرتبط است. (میهنی، محمد بن منور، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۴)

جنونی عرفانی با تجربه حالاتی چون سکر، صحو، وجد و شوق شروع و در نهایت به حکمت الهی و درک حقایق معقول ختم می شود. از این رو، می توان ماهیت جنونی را که آغاز آن ذکر خداست. جمال حقیقی، قرین عشق بدان است و عشق اشتیاق وصال را به دنبال می آورد. از این رو، عاشق پیوسته در آرزوی وصال است، چندان که یاد زیبایی معشوق او را شادمان و امیدوار، و جدایی از معشوق او را بیمناک و ناراحت می سازد. فرایند تبدیل عشق به جنون، در طی چنین نوساناتی رخ می دهد که به اضطراب و

بی قراری می انجامد.

عشق و جنون در تصوف هم منشای الهی دارد. احمد جام (م ۵۲۰ ق/ ۱۱۲۶ م) در تعریف عشق فرمودند: (العشق جنون الهی لیس بمذموم و لا ممدوح)، مذموم و ممدوح نبودن جنون عشق را به سبب بی اختیاری انسان در این امر می داند و بر این باور است که مقارنت این جنون با عشق تنها در نهایت کار متصور است. (بجنوردی، ۱۳۸۹ ش، ص ۶۲۶)

عین القضات همدانی (م ۵۲۵ ق / ۱۱۳۱ م) درباره جنون ابلیس می گوید: جنون ابلیس را جنونی عاشقانه می داند، زیرا به باور او کمال عشق مقامی است که در آن، اگر عاشق دشنام معشوق را بشنود، او را از لطف دیگران خوش تر می آید، با این ملاک وی ابلیس را عاشق دیوانه ای می شمرد که چون خدا را دوست می داشت.

لقمان سرخسی یکی از نمونه های چنین مجانینی است که در ابتدا اهل ریاضت و مجاهدت بود، اما در نهایت کار، از خدا خواست که همچون بردگان سالخورده او را بندگی رها سازد. ختمی لاهوری وی را مقتدای مجذوبان طریقت و والهان حقیقت می داند و طاعت دیوانگان را دوام استغراق در بحر وحدت و قیام در مشاهده دائمی می شمرد. (همدانی، عین القضات ۱۳۴۱ ش، صص، ۲۲۱، ۲۰۴)

کسانی که با شنیدن آیاتی از قرآن درباره خوف از خدا و احوال قیامت، بی قراری و مضطرب شدند و تا آخر عمر مسلوب العقل باقی ماندند. در عهد خلیفه دوم عبد العزیز نخعی در مسجد به نماز ایستاده بود و هنگامی که امام جماعت در نماز آیه (و لمن خاف مقام ربه جنتان) را تلاوت کرد، وی نماز را شکست و دیوانه و بی قرار از مسجد بیرون رفت و دیگر کسی او را ندید. افزون بر خوف از قیامت و عذاب، خوف از فراق هم می تواند موجب دیوانگی شود. (قشیری، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۳۰)

کاشی راجع به سلب العقل می گوید:

عواملی که موجب جنون عرفانی می شوند، انس با حق، خوف شدید، دهشت و

تجلی الهی را بر شمرده اند. از دید گاه برخی از آنان، انس به حق موجب شیفتگی می شود و در این راه برخی چنان شیدا می شوند که عقل خود را از دست می دهند یا به اصطلاح سلب العقل می شوند. (کاشی، ۱۳۵۴ ش، ص ۱۲۵)

روز بهان بقلی در خصوص دهشت می نویسد:

دهشت، یعنی حالتی که از هبیت جلال حق ناشی می شود، می تواند موجب سطوت و صولتی شود که سالک طریق محبت را حیرت زده کند و به عقل او آسیب برساند. شبلی (م ۳۳۴ ق / ۹۴۵ م) از عارفانی است که همواره می گفت: (وا دهشته) (بقلی، ۱۳۴۴ ش، ص ۵۵۵)

هشام بن عبدان شیرازی نیز از کثرت مطالعه زبور چندان دچار حیرت و دهشت شد، تا یک سال نماز نخواند ابن خفیف شیرازی (م ۳۷۱ ق / ۹۸۱ م) دلیل ترك نماز هشام را غلبه امور غیبی بر او می داند. (جامی، ۱۳۷۰ ش، ص ۲۲۴)

هجویری غیبت بی حضور را جنون یا غلبه، یا مرگ و غفلت می داند. ابو عبدالله تروغندی و ابو مقال مغربی دو نمونه از صوفیانی هستند که به سبب وجد شدید و غیبت دیوانه شدند. در تقسیم بندی ابن عربی از مجانین، ابو مقال مغربی از مجانین محض به شمار می آید که تا آخر عمر بر حال جنون باقی مانده اند. اینان مجانینی هستند که بر نفس خود تصرف و تدبیری ندارند و در غیبت مطلق از عالم حسن به سر می برند. (ابن عربی، ۱۳۹۵ ق، ج ۱ ص ۹۲)

ابن عربی در اثر معروف خود فتوحات مکیه پیرامون فی البهالیل و البهله می گوید: علت ومنشاء جنون در دیوانگان الهی، تجلی ناگهانی حق بر دلهای بندگان خاص است که موجب می شود تا عقل آنان زایل شود، وی مردم را از نظر تحمل و پذیرش واردات و تجلیات الهی بر سه قسم می داند.

اول آنان که جنان بر آنان مسلط می شود که اختیار معاش طبیعی را از آنان می گیرد و آنها را تا پایان عمر مغلوب حال می گذارد. دوم کسانی که تنها عقل تفکر و تدبیر از

آنها گرفته می شود، اما عقل حیوانی در آنان باقی می ماند. سوم کسانی که حکم بر آنان دائم نیست و حال جنون از ایشان زایل می گردد. ابن عربی دسته سوم را انبیا یا اولیای صاحب احوال می داند.

باز گشت از حال جنون به عقل، نشانه وقوع در دیوانگان الهی است. چنان که در مورد سعدون مجنون نقل شده است که شش ماه دیوانه و شش ماه عاقل بود. (شعرانی، ۱۳۷۲ ق، ج ۱/ ص ۶۸)

داراشکوه درباره جنون می فرماید:

وی جنون سرمه را با جشنهای مردم در بلاد روم در گذشته می داند. جشنهای که در آن مردم از فرط شادی و باده نوشی، مدهوش و دیوانه می گشتند، اما به باور وی، جنون مدام کار مردان بادیه تجرید و عاشقان الهی است که همواره از معموره کثرت می گریزند و در ویرانه وحدت به سر می برند. (داراشکوه، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۳۴)

عین القضات همدانی در مورد مجانین الحق می نویسد:

در آثار صوفیه مرتبط با حال جنون، حال سکر و صحو اغلب این گرایش وجود دارد که حالت جنون با مستی تبیین شود. وی از مجانین الحق و ضعفاء الطریقه نام می برد که به يك قطره مست می شوند. (همدانی، ۱۳۶۲ ش، ج ۲/ ص ۳۴۰)

جلال الدین بلخی هم در وصف بهلول به جای مجنون واژه مست عقل را ترجیح می دهد. رضی الدین آرتیمانی، شاعر سده یازدهم قمری در ساقی نامه هم مستان میخانه الهی همان عقل آفرینان دیوانه یا همان عقلاء المجانین خوانده می شوند. (فخر الزمانی، ۹۳۷)

ابن عربی هم در بحث از بهالیل و عقلاء المجانین آیه (و تری الناس سکاری و ماهم بسکاری) را ذکر می کند که نشان از تشابه حال مستان و دیوانگان الهی در برداشت تاویلی از قرآن دارد. (حج/ ۲/ ۲۲)

در آثار جاحظ (م ۲۵۵ ق / ۸۶۸ م)، ابن ابی الدنیا، احمد بن لقمان و ابو علی سهل

بن علی بغدادی به شرح حال دیوانگان الهی پرداخته بود. بسیاری از این کتابها مفقودند، اما بعد از نیشابوری نیز در حلیۃ الاولیاء ابو نعیم (م ۴۳۰ ق / ۱۰۳۸ م) و صفة الصفوه ابن جوزی (م ۵۹۷ ق / ۱۲۰۱ م) احوالی از این مجانین ذکر شده است. (زرین کوب، ۱۳۶۲ ش، ص ۴۱)

فرید الدین عطار نیشابوری (مقتول به سال ۶۲۷ ق / ۱۲۲۹ م) نخستین و برجسته ترین عارف شاعری است که در آثار خود، احوال دیوانگان الهی را بیشتر از هر نویسنده و شاعری مطرح نموده و به آن اهمیت داده است. توصیف و تحلیل عطار در درجه اول ناظر به جنبه عرفانی و اخلاقی شخصیت دیوانگان الهی است، اما جنبه سیاسی آثار شخصیت این دیوانگان به ویژه در نقد ارباب قدرت و نیز جنبه های فلسفی آنها را نیز نباید دست کم گرفت. در آثار عطار، مصیبت نامه او حاوی بیشترین و عمیق ترین حکایات درباره دیوانگان الهی است.

از مثنوی های عرفانی عطار موضوع جنون الهی و احوال دیوانگان الهی را در قالب حکایات بلند و کوتاه در خود جای داده است. این آثار در منابع دست اول ادبیات عرفانی، عمیق ترین مطالب را در خصوص احوال و اقوال شگفت انگیز دیوانگان الهی به زبانی رسا و شیرین بیان کرده و سپس ظرایف گفتار و رفتار آنها را به زیبا ترین وجه تفسیر و تحلیل کرده است. علاوه بر آثار یاد شده مذکوره بالا، شرح حال برخی از مجذوبان و مجانین شبه قاره هند مانند بابا بهلول مجذوب و سید جمال الدین، مشهور به خواجه دیوانه را نیز می توان در تذکره ثمرات القدس من شجرات الانس میرزا لعل بیگ لعلی بدخشی (م ۱۰۲۲ ق / ۱۶۱۳ م) یافت. (لعلی بدخشی، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۲۴۰)

نصر الله پور جوادی در باب مجنونان عطار می نویسد:

در آثار منظوم عرفانی عطار نیز حکایتهای این دیوانگان را می توان یافت. از بررسی این حکایتهای معلوم می شود که برای عطار حقیقت جنون بیشتر از خود مجنونان

اهمیت دارد. از این رو، دیوانگان عطار اغلب اشخاصی بی نام و نشان اند، در حالی که نیشابوری به دنبال گرد آوردن اخبار دیوانگان بود، و مجانبین او اغلب اشخاص شناخته شده تاریخی اند. از سوی دیگر، دیوانه عطار ذاتاً گسسته از مردم و متن جامعه است و مقامی فراتر از عقل دارد و از این رو، مرتبه او بالاتر از مرتبه عقل معاش یا مرتبه جامعه ای است که در آن زندگی می کند. (پور جوادی، حکمت، ۱۳۷۱ ش، ص ۳)

مثنوی مولانا جلال الدین بلخی (م ۶۷۲ ق / ۱۲۷۳ م) از جمله منابع ارزشمند و مهم در ادبیات عرفانی است که در نوع خود دایرة المعارف عرفان و تصوف اسلامی محسوب می شود. حکایت متعلق به احوال دیوانگان الهی در مثنوی مولانا اگرچه حجم کم دارد، اما از جایگاه و اهمیت ویژه ای برخوردار است (میهنی، محمد بن منور، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۲)

مجانین از خطر مرگ در امان نبودند. جمال الدین لور که با میا نجیگری نجیب الدین بزغش شیرازی (م ۶۷۸ ق) و شیخ معین الدین (م ۶۳۳ ق) از مرگ نجات یافت و سعید سرمد کاشانی (م ۱۰۷۰ ق / ۱۶۶۰ م)، که به جرم عریانی و اینکه لا اله می گفت اما الا الله نمی گفت، و نیز به اتهام انکار معراج به دستور اورنگ زیب عالمگیر (م ۱۰۶۸ ق / ۱۶۵۸ م) گردن زده شد. (صلاحی ۱۳۷۰ ش، ص ۲۳)

در ادبیات عرفانی جنون الهی، نوع خاصی از طریقت است که بیانگر حکمت عمیق و معرفت والای از اولیاء الهی است که فهم حقیقی شان معنوی آن ها داشتن بصیرتی باطنی است. در تصوف اسلامی از مشاهیر دیوانگان می توان اویس قرنی، محمد معشوق طوسی، لقمان سرخسی، ابو بکر شبلی، سعدون مجنون و بهلول را نام برد که دارای احوال و اقوال عرفانی بوده و مقام شامخی نزد اهل معرفت داشته اند.

یاد داشت ها و کتابشناسی منابع:

- القرآن، (حج / ۲۲ / ۲)

- ابن عربی، محیی الدین (۱۳۹۵ق) الفتوحات المکیة، الھیة المصریة العامة للکتاب، قاهره، مصر
- احرار، خواجه عبید الله (۱۳۸۰)، احوال و سخنان خواجه عبید الله احرار، به کوشش عارف نوشاهی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران
- بجنوردی، کاظم موسوی، (۱۳۸۹ش) دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۸، تهران
- بقلی، روزبهان (۱۳۴۴ش)، شرح شطحیات، به کوشش هانری کرین، انتشارات طهوری، تهران
- پور جوادی، نصر الله (۱۳۶۶ش)، تحلیلی از مفاهیم عقل و جنون در عقلاء المجانین، تهران، معارف، دوره ۴، شماره ۲
- همو (۱۳۷۱ش)، حکمت دیوانگان در مثنویهای عطار، نشر دانش، تهران، شماره ۱
- جامی، عبدالرحمان (۱۳۷۰ش)، نفحات الانس، به کوشش محمود عابدی، انتشارات اطلاعات، تهران
- داراشکوه، محمد (۱۳۶۳ش)، سکینه الاولیاء، به کوشش تارا چند و محمد رضا جلالی نائینی، انتشارات علمی، تهران
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲ش)، دنباله جستجو در تصوف، انتشارات امیر کبیر، تهران
- شعرانی، عبد الوهاب (۱۳۷۲ق)، الطبقات الکبری، مكتبة الثقافة الدینیة، قاهره
- صلاحی، عمران (۱۳۷۰ش)، رویاهای مرد نیلوفر (احوال و افکار و آثار سعید سرمد کاشانی) انتشارات ناهید، تهران
- عطار نیشابوری، فرید الدین (۱۳۶۶ش)، تذکرة الاولیاء، به کوشش محمد استعلامی، انتشارات زوار، تهران

- فخرالزمانی، عبد النبی (۱۳۴۰ ش) تذکره میخانه، به کوشش احمد گلچین معانی، تهران
 - قشیری، ابوالقاسم (۱۴۰۸ ق) الرسالة القشیریة، به کوشش معروف زریق و علی عبد الحمید بلط جی، بیروت
 - کاشی، عبدالرزاق (۱۳۵۴ ش)، شرح منازل السائرین، به کوشش حامد ربانی، تهران
 - لعلی بدخشی، لعل بیگ (۱۳۷۶ ش)، ثمرات القدس من شجرات الانس، به کوشش کمال حاج سید جواد، انتشارات مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی، تهران
 - میهنی، محمد بن منور (۱۳۶۶ ش)، اسرار التوحید، به کوشش محمد رضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، تهران
 - همدانی، عین القضات (۱۳۴۱ ش)، تمهیدات، به کوشش عفیف عسیران، انتشارات منوچهری، تهران
 - همو، (۱۳۶۲ ش)، نامه های، ج ۲، به کوشش علینقی منزوی و عفیف عسیران، انتشارات منوچهری، تهران
-